

تفاوت فرهنگی دین اسلام و آیین کنفوسیوس در پیاده سازی نظام حکومتی

فاطمه زیبایی نژاد^۱

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه مفید قم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۷

چکیده

از دیرباز تا کنون همه ی ادیان الهی، برای دستیابی به موازن فرهنگی همچو صلح و عدالت، نظریات و دستورات خاصی را به انسان ها از طریق کتب آسمانی و پیام آوران الهی انتقال داده اند. اسلام از جمله ی ادیانی است که به این موضوع اشاره ی ویژه ای داشته و این تعالیم و دستورات صرفاً برای یک گروه خاص نبوده بلکه در مقیاس جهانی قابل پیاده سازی است. سرزمین های کهن دیگری هم شاهد نظریات اندیشمندان و حقوق دانان بزرگی بوده اند که برای پیاده سازی حکومت های عدالت خواهانه در اشل جهانی نظریات مطلوب و مفیدی را ابراز نموده اند. بیشتر این مفاهیم فرهنگی از طریق آموزش به بشر انتقال داده شده است. از جمله سرزمین چین که خاستگاه ظهور حکیم بزرگ کنفوسیوس است که در زمره ی اولین حقوقدانانی به شمار می رود که برای پیاده سازی صلح و آرامش و عدالت در سطح جهان از تعالیم و آموزه های بسیار بلندی بهره گرفته است. وی همچنین به مفهوم صلح و عدالت فقط در مقیاس سرزمینی اندیشه نکرده؛ بلکه تعالیم و آموزه های او برای جهانی شدن و برقراری صلح و امنیت در سطح فرهنگی بین المللی نیز آمادگی ظهور و شکوفایی دارد.

واژگان کلیدی

صلح، عدالت، اسلام، کنفوسیوس، امنیت، جهانی شدن، حکومت های جهانی، فرهنگ بین المللی.

مقدمه

دین اسلام از مهمترین و جامع ترین نظام های حقوقی دنیا به شمار می رود. آیینی که پیامبر عظیم الشان آن را یکی از اهداف بعثت خویش برپایی عدالت و قسط معرفی می کرد. اسلام در ارتباط با صلح دیدگاه مشترکی با سایر ادیان دارد. از دیدگاه اسلام نیز صلح به معنای آشتی و آرامش بخشیدن به جامعه می باشد. از سوی دیگر صلح واژه ای قرآنی است و در حدود ۱۴۰ آیه پیرامون صلح در این منبع وحیانی مطالبی وارد شده است. از دیدگاه قرآن صلح در واژه ای دارای مفهوم و ریشه ی مشترک می باشد که دارای ارتباط با یکدیگر بود و در امتداد هم هستند. بنابراین تعالیم اسلامی نظریات مبسوط قابل توجهی را در زمینه ی برپایی صلح و امنیت در سطح جهانی بیان داشته است.

از طرفی هم دیگرهم ما شاهد رشد مفهوم صلح و امنیت در سطح حکومت های جهانی از طریق کشورهای شرق دور هستیم. کمی درنگ و تأمل در مورد آن ها ما را به سرزمین چین می رساند. جایی که محل ظهور اندیشمندان بزرگ و فرهنگ و تمدن های گسترده در طول تاریخ و اعصار بوده است. کنفوسیوس از جمله ی اولین حقوقدانانی است که در این سرزمین می زیسته. نظریات ژرف و دقیق او در سطح بین المللی همچنان دارای جایگاه و تعالی خاصی است. این متفکر بزرگ، برای پیاده سازی مفهوم عدالت و صلح و امنیت در مقیاس جهانی و حکمرانی نظریات و تعاریف قابل تأملی را بیان داشته که به بیان دیدگاه وی در این زمینه اشاره خواهیم نمود. در هر دو این تعالیم مشاهده می کنیم که برقراری صلح و امنیت و عدالت از طریق مباحث فرهنگی در جامعه پیاده سازی شده است. جامعه ای که خواهان تداوم اصول حکومتی پایدار در بطن خود است ابتدا با مباحث و اصول اولیه ی نظام مند سازی حکومتی که از طریق فرهنگ سازی برای خود پی ریزی می کند، می تواند به این مهم دست یابد. چرا که فرهنگ باعث دوام و عمق و ریشه

دوانی یک رفتار در جامعه شده و در برابر هر طوفانی سر خم نمی کند. پایه گذاری عدالت و صلح در جامعه حتی در ساختار کلان حکومتی جز از طریق فرهنگ راهی بیهوده است. در هر دو دیدگاه مطرح شده خواهیم دید که چگونه رهبران جامعه از ابعاد خرد فرهنگی برای بنای محکم حکومتی خود پی ریزی کرده اند. هرچند تفاوت های بنیادین در ساختار هر دو آیین نشان از اختلاف دیدگاه در پیاده سازی این اصول دارد.

۱. بخش اول: تعریف مفاهیم

الف. تعریف فرهنگ

تعریف فرهنگ به طور جامع و کامل کاری پیچیده است. فرهنگ پدیده ای اجتماعی و دارای پیشینه ی تاریخی است و منحصر به دستاوردها و اکتسابات یک ملت به تنهایی نیست. بلکه عناصری را که از طریق تعامل با فرهنگ دیگر وارد می گردد نیز شامل می شود. فرهنگ هر منطقه بیانگر خلاقیت و باورهای آن بوده و بارور بودن آن باعث سرعت در روند رشد و توسعه می گردد. تکیه بر فرهنگ بومی و ملی هر کشور هیچ گاه به مفهوم بی اهمیت شمردن سایر فرهنگ های بشری نیست، زیرا که یکی از ویژگی های فرهنگ زاینده عبارت است از قدرت برقراری ارتباط با فرهنگ های دیگر و داد و ستد با آنها. (پیشرفت توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، رجاوند، ص ۶۵)

والرشین در مقاله ای تحت عنوان "فرهنگ و میدان جنگ ایدئولوژیکی نظام جدید جهانی" فرهنگ را گسترده ترین مفهوم در علوم اجتماعی بیان می کند. از نظر وی فرهنگ به مجموعه ای از ویژگی که باعث می شود که شخص عضو یک گروه تعریف شود بخاطر داشتن یک سری ویژگی های مشترک با اعضای آن گروه گفته می شود، برای اینکه مجموعه ای از خصیصه ها، روندها، ارزش ها یا اعتقادات را توصیف نماییم. (فرهنگ و حقوق بشر در پرتو جهانی شدن، سازند، شماره ی ۳۶، ص ۵۶)



باید به این امر توجه داشت که ارزش ها از بنیادی ترین عوامل جهت دهنده رفتارهای انسانی در هر جامعه ای به شمار می آیند. ارزش ها در رابطه با فرهنگ جامعه و رفتارهای انسان نقش دوگانه ای را بازی می کنند. از یک جهت آنها یک نیروی ساختار بندی شده تسط فرهنگ غالب جامعه به شمار می آیند. چنانکه هویت هر جامعه ای برآمده از فرهنگ آن جامعه است و فرهنگ خود نیز متشکل از ارزش ها، باورها، هنجارها و نگرش های حاکم بر افراد است که آن ها را جهت می دهد. با این توصیف، ارزش ها در سرمایه ی فرهنگ هر جامعه نقش بسیار اساسی دارند و بنیادی ترین عوامل در تبیین اندیشه، عمل یا اعمال فرد و همچنین شکل گیری حیات اجتماعی هستند. ارزش ها و نظام ارزشی به معنای ارج و مطلوبیت، منشا نظری و فکری و مبدا عملی و عینی و همچنین هدف و غایت هرگونه روش و بینش و باور بوده و میزان و معیار سنجش و ارزیابی آنها می باشد. (طرح تحقیقات ارزش گرایی در جامعه ی ایرانی، صدرا، ص ۱۵)

ب. تعریف اسم مصدر صلح

اسم مصدر از مصالحه است و در مذکر و مونث یکسان بکار برده می شود (صحاحه اللغة، جوهری، ج ۴، ص ۳۸۳)^۱. ماده ی "ص ل ح" در اصل آن چیزی است که از فساد سالم مانده است (الحماسه، ابن فارسی، احمد، ج ۳، ص ۳۰۳)^۲ لذا ضد فساد است و اکثرا در عمل استدلال می شود چنانکه صحت غالبا در اجسام استعمال می شود و صلح و فساد نقیض هم هستند لذا هر جا افساد باشد اصلاح منتفی می شود و هر جا اصلاح باشد افساد از بین می رود. همچنین "صلاح وسیئه" ضد یکدیگرند لذا در یکجا جمع نمی شوند اما امکان ارتفاع هر دو وجود دارد اما امکان

۱. والصح مکسر العباد: مصالحه، و الاسم الصلح، یدکرو یونث (جوهری ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۳۸۳)

۲. صلح الصاد والام و الحاء، اصل و اخذ یدل علی خلاف الفساد، (ابن فارسی ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰۳)

ارتقاء هر دو وجود دارد. این واژه در زبان عربی و همچنین ادبیات قدیم پارسی هم معنای آشتی و به معنای مقابل حرب و جنگ نیز آمده است.

امنیت نیز یکی از معانی صلح دانسته شده است. البته صلح یک مفهوم مطلق نیست و می توان بسته به دیدگاه های مختلف تعاریف متفاوتی داشته باشد. راغب اصفهانی معتقد است که: "صلح مخصوص از بین بردن نفرت از میان مردم است. مانند: الصلح خیر فاصلحوا بینهما".

ج. تعریف اصطلاحی صلح

صلح در اصطلاح عبارت است از توافق و سازش میان دو یا چند نفر برای ایجاد چیزی میان خودشان (منهاج الصالحین، خویی، سید ابوالقاسم، ج ۲، ص ۱۹۴)^۱، از قبیل تملک عین مال یا منفعت آن و یا نقل حق و یا اسقاط آن و ابراء دینی (کلمه التقوی، زین الدین، محمد امین، ج ۴، ص ۱۹۵)^۲ و غیر آن که خواه به طور رایگان و یا در ازای گرفتن عوض از صلح با عوض در صلح معوض (فقه المعاملات، مصطفوی، سید محمد کاظم، ج ۱، ص ۴۸۷)^۳ و از صلح رایگان و بدون عوض، صلح غیر معوض تعبیر می کنند (توضیح المسائل مراجع، بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن، ج ۲، ص ۴۸۷)^۴.

جمعی از فقها صلح را به عقودی که برای دفع نزاع میان دو یا چند نفر تشریع شده است فقه تعریف کرده اند (شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۲، ص ۳۲۷)^۵. بنابراین تعریف صلح تنها در موارد وجود نزاع معنا می یابد و در نتیجه صلح ابتدایی و بدون وجود نزاعی در میان، معنا نخواهد داشت (فقه امام جعفر صادق، مغنیه، محمد



۱. منهاج الصالحین، خویی، ج ۲، ص ۱۹۴

۲. کلمه التقوی، زین الدین محمد امین، ج ۴، ص ۱۹۵

۳. فقه المعاملات، مصطفوی سید محمد کاظم، ج ۱، ص ۴۸۷

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۳۱۲

۵. شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۲، ص ۳۲۷

جواد، ج ۴، ۱۹۸۴، ص ۵۸). معنای لغوی صلح (آشتی و سازش) نیز موید این معنا از صلح است. برخی گفته اند تعریف دوم از عامه گرفته شده است، زیرا بسیاری از آنان شرط تحقق صلح را وجود نزاع بین طرفین می دانند، لیکن از دیدگاه فقهای امامی، وجود نزاع شرط صلح نیست. از این رو تعریف نخست منطبق با دیدگاه های فقهای امامی است (حدائق الناضره، بحرانی، شیخ یوسف، ج ۲۱، ص ۸۵). برخی گفته اند صلح هر چند در اصل برای از بین بردن نزاع تشریع شده است، لیکن قطع نزاع حکمت تشریع است و نه علت آن. از این رو لازم نیست در همه ی موارد صلح نزاعی وجود داشته باشد (جواهر الکلام، نجفی، محمد حسن، ج ۲۶، ص ۲۱۱) بنابراین تعریف صلح به معنای دوم بر اساس حکمت تشریع صلح است. صلح به عنوان بابی مستقل در فقه است که از احکام آن به تفصیل در این باب سخن گفته اند.

د. صلح در حکمرانی

تحقق الگوی حکمرانی مطلوب ضمن ارتقاء عدالت از طریق افزایش شفافیت پاسخگویی و اعمال حاکمیت قانون و نیز تقویت دموکراسی می تواند، عامل مهمی در ایجاد و ارتقاء صلحی پایدار محسوب شود.

هـ. امنیت

کلمه امنیت از حیث لغوی ریشه در واژه ی امن در زبان عربی دارد و به معنی در امان و آسایش بودن مصونیت از خطر و ترس و آرامش خاطر است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی است. از یک سو بیان گر اطمینان و آرامش می گردند نیز دلالت دارد و (المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، فیومی، احمد بن محمد بن علی، ج ۲، ص ۲۴)^۱. و از سوی دیگر بر فقدان خوف و دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و اطمینان می گردد نیز دلالت دارد.^۲ پس امنیت عبارت است از آرامش

۱. امن زید الاسد (اما) و (امن) منه مثل سلم منه و زنا و معنی و الاصل ان يستعمل فی سکوت القلب

۲. الامن : ضد الخوف

درونی و برونی که قلمروهای فردی و اجتماعی فکری و روحی و اختلافی و اعتقادی را در بر می گیرد.

۲. حرکت‌های جهانی در راستای استقرار برقراری صلح و امنیت در جهان

از جمله آرزوهای بزرگ بشر از دیرباز تا کنون، نیاز ایجاد محیطی امن و عاری از جنگ و ستیز چه در اجتماع‌های کوچک و چه در اجتماع‌های بزرگ جهانی بوده است. در راستای برآورده کردن این آرزو در صفحه‌ی بین‌المللی فکر ایجاد نهادی تاثیرگذار برای تنظیم روابط کشورها و جلوگیری از نزاع و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات موجود میان آن‌ها از جمله دل‌مشغولی‌های انسان‌ها در عصر جدید بوده است. در ابتدا با تشکیل سازمان‌های عامل و فنی و خدماتی با وسعت عمل محدود روند ایجاد و شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی در راستای تامین امنیت و ارتباطات و لزوم همکاری‌های بیشتر وسعت عمل و نوع فعالیت سازمان‌های بین‌المللی نیز گسترش یافت. تا اینکه بعد از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۲۰ به موجب یک میثاق ۲۶ ماده‌ای که جزئی از پیمان ورسای بود جامعه‌ی ملل پا به عرصه‌ی وجود نهاد. اگرچه از نگاه بنیان‌گذاران جامعه‌ی ملل هدف اصلی تشکیل این نهاد بین‌المللی فراگیر همانا ایجاد و حفظ صلح و امنیت در جهان بوده است اما با وجود برخی ضعف‌ها و نارسایی‌ها (برخی نارسایی‌های سیاسی ساختاری حقوقی نظیر جهانی نبودن وسعت وظایف شورا ضعف در نظام اجرا و به ویژه عدم ممنوعیت جنگ و....)^۱ عملاً زمینه‌ی انحلال آن را فراهم کرد و سرانجام سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ جایگزین جامعه‌ی ملل شد.

۱. اضمحلال جامعه از زمانی شروع شد که بعضی از قدرت‌های بزرگ دست به تجاوزهای تازه زدند و جامعه نتوانست در برابر آن‌ها اقدامی کند. ژاپن در سال ۱۹۳۱ با به راه انداختن دومین جنگ چین و ژاپن از جامعه فاصله گرفت و هیتلر در سال ۱۹۳۳ برای تجدید تسلیحات آلمان آن دولت را راند و از جامعه خارج کرد و پس از آن تجاوزهای آلمان "سرزمین راین اتریش و چک اسلواکی حمله‌ی ایتالیایی و حبشه و خروج آن در سال ۱۹۳۷ از جامعه، این سازمان بین‌المللی را عملاً مضمحل کرد.



حدود ۷۰ سال پیش و همزمان با اتمام جنگ جهانی دوم فاتحان این جنگ که جهان را بخاطر تلاش هایشان برای نجات از چنگان نازیسم و فاشیسم مدیون خود می‌انگاشتند سازمان ملل متحد را با هدف حفظ و پاسداری از صلح و امنیت بین الملل در سایه همکاری‌های نهادینه‌ی خود تاسیس کردند و در تعیین ساختار اصلی سازمان ملل متحد و ترکیب آن در پی حفظ وضع موجود و نه ایجاد وضع مطلوب بودند. شعار آن‌ها برتری صلح و عدالت بود. چون براساس رهیافت قدرت تصمیم‌گیری‌های لازم برای پی‌ریزی ساختار نظام آینده‌ی بین‌المللی صورت می‌گرفت از این آزادی عمل برخوردار بودند که ساختار مورد نظر را به گونه‌ای طراحی و شکل‌بندی کنند که حافظ منافع آنها باشد. این رویکرد سبب شد که در توزیع جهانی قدرت تنها بازیگران عهده‌دار نقش اصلی شوند که در آن زمان بالاترین توان نظامی سیاسی اقتصادی را برای راهبری نظام جدید بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم دارا بودند. لذا مسئولیت اصلی حفظ صلح به شورای امنیت سازمان ملل متحد سپرده شد که در این رکن پنج قدرت بزرگ هم‌داری عضویت دائمی شدند و هم از حق ویزه‌ی و تو برخوردار گردیدند. بدین معنا که هیچ‌کس نخواهد توانست در برابر خواست آنها و علیه آنها تصمیمی اتخاذ و به اقدامی مبادرت ورزد.

ناعادلانه بودن مدیریت حاکم بر روابط بین‌المللی اجزای این سیستم را در وضعیتی بحرانی چالش‌برانگیز و ناامن قرار داده است. مادامی که برابری دولت‌ها نادیده گرفته شود و عده‌ای محدود از دولت‌ها به عنوان هیأت رئیسه جهان عمل نمایند. دنیا در وضعیتی ناآرام و پر آشوب همان گونه که وضعیت موجود نیز موید آن است خواهد بود. با در نظر گرفتن جنگ طلبی‌های ابر قدرت‌های جهان و برخوردهای سلیقه‌ای با خشونت و نمتهای آن برای عموم و آحاد جامعه بشری شکی باقی نمانده که صلح در عمل نه برای همگان بلکه برای برخی‌ها تعقیب و دنبال می‌شود. در چنین افقی عدالت با حفظ ساختار عادلانه بین‌المللی موجود و

همچنین ساختار ناعادلانه موجود میان دولت ها و ملت ها از درون قابل تحقیق نیست. چگونه می توان صلح را با عدالت همگام ساخت. بدون اینکه سازمان حاکم بر روابط بین المللی کنونی به صورت مناسب دگرگونی یابد؟ سوالی که بشر برای پیدا کردن راه حل آن تاکنون هزینه های گزافی را متحمل شده است. جنگ جهانی اول و دوم حاصل تلاش برای دستیابی به صلحی بوده است که بیشترین ضرر را به نظام های حکومتی جهان تحمیل کرده است. لیک مفاهیمی چون صلح و امنیت تا زمانی که در نهاد بشری ریشه ندواند و فرهنگ بین المللی برای شکوفایی آن دست بکار نشود، هیچ گاه نمی تواند یک شبه و با جنگ افروزی های بی سر و پا برقرار شود.

صلح جهانی آن گونه که در رویه ی سازمان ملل متحد دنبال شده است جلب نظر موافق قدرت ها در خصوص منافع خاص آنهاست. از آنجا که بین این منافع متفاوت و متغیر است صلح نیز از نظر معنا و مصداق همواره متغیر و ناپایدار بوده است. یکی از آسیب های صلح جهانی بر همین موضوع یعنی وابستگی مفهوم و مصداق صلح به منافع متغیر نظام بین المللی قدرت محور است. نکته ی دیگر این است که نظام مدیریت صلح در جهان هیچ گاه احترام به فرهنگ ها و ادیان را درک نکرده است و این علتی اساسی برای وضعیت درون معاصر است. امروزه صلح کالایی است که بازیگران قدرتمند از تشکیل کنگره ی وین ۱۸۱۵ به بعد به صورت نظام مند آن را به مجرای برای به اسارت در آوردن هویت ها و فرهنگ های دیگر ملت ها به کار بسته اند معاهده و پیمان نوشته اند به تقسیم جهان و حوزه های نفوذ خود پرداخته اند و بعد از تشکیل سازمان ملل متحد نیز ساختارهای بین المللی را بر همین تفکرهای صلح برگرفته از فرهنگ غرب پایه ریزی کرده اند. نظام های حکومتی بیشماری پیش غرب بدون آنکه جنگ افروزی را برای خود به ارمغان آورند با فرهنگ سازی مدون و اساسی توانسته بودند صلح و عدالت را برای خود به بار آورند.



علاوه بر موارد فوق رویدادها و فرایندهایی در دنیای معاصر وجود دارند که صلح و عدالت را نشناخته و تروریسم جنگ و درگیری فقر و بیماری بی ثباتی اقتصادی و مالی و همچنین آپارتاید علمی که نشأت گرفته از همان مدیریت سلطه گونه بر این عرصه در جهان هستند را دست نشانده اند. پدیده های ضد صلح نظیر تروریسم جنگ و درگیری فقر و بیماری سلطه ی اقتصادی و مالی (پدیده های انسان ساخت) و همچنین ساختارهای غیرمالی از تامین صلح و امنیت بین المللی وضعیت صلح جهانی را بغرنج کرده اند و در این میان به نظر می رسد که آپارتاید علمی و فناوری برای مجموعه دولت های به اصطلاح جنوب نیز در همین عرصه جای می گیرد.

خلاصه اینکه گرچه یک حرکت هایی در راستای تامین صلح و امنیت جهانی (به عنوان یک ضرورت اجتماعی) صورت گرفته است اما بخاطر وجود برخی اشکالات نتوانسته است به طور مطلوبی هدف مورد نظر آنها را برآورده سازد. آن بخش از نهادهای سازی فرهنگی در سنت های جدید حکومتی از بین رفته و به همه ی موارد به صورت سطحی نگریسته شده، در صورتی که فرهنگ سازی بین المللی اگر درست و مدون با حفظ کرامت انسانی در هر قوم و قبیله ای انجام پذیرد، این همه شکاف عمیق میان ابناء بشری رخ نمی دهد.

۳. بخش دوم: آینده نگری اسلام درباره برقراری صلح و امنیت در جهان

کلمه ی اسلام نیز از کلمه ی سلم سرچشمه گرفته و در حقیقت تبعیت از خدا و آرامش یافتن است. اما واژه ی دیگر صلح است که همان آشتی و رابطه ی همزیستی مسالمت آمیز بین انسان هاست. اسلام در قالب واژه ی صلح خواستار مودت و احترام متقابل و پرهیز از تجاوز و تعدی به حقوق دیگران می باشد.

در اسلام برای دستیابی به صلح و عدالت یک جریان و سیر تکاملی وجود دارد. اولین مرحله صلح درونی است. در این مرحله افراد جامعه می بایست به

اصطلاح به نفس خود پرداخته و تقوا را در خویش تقویت کنند. جهاد با نفس نقطه‌ی آغازین همین حرکت است. در حقیقت فرد مومن باید نبرد بین امیال و خواسته‌های میان نیروهای جسمانی و روحانی و تمایلات نفسانی و معنوی خویش را پایان دهد و به صلح درون برسد تا این نیروها در پیوند با یکدیگر قرار گرفته و سیر تکاملی و ارتقاء شخصیت انسانی او را شکل دهند. در این حال فرد آماده‌ی حرکت جمعی آرمانی می‌شود. چنانچه خداوند متعال در آیه‌ی ۱۰۳ آل عمران می‌فرماید:

"و همگی به ریسمان خدا در قرآن و اسلام و هرگونه وسیله‌ی وحدت چنگ زنید و پراکنده نشوید."

بنابراین صلح درون زیربنای تاثیرگذاری سازنده‌ی اجتماعی است.

الف. یکی از شاخصه‌های مهم برای رسیدن یک حکومت به اهداف بزرگی چون صلح و امنیت، برخورداری آن حکومت از کادر و نیروهای توانمند است. نیروهایی که هم از لحاظ اخلاقی از درجات بالایی برخوردار باشند و هم از لحاظ علمی و تخصصی قابل توجه باشند. چرا که بدون تردید هرچه مسئولین از تعهد و تحقق بالاتری برخوردار باشند عملکرد بهتری خواهند داشت و صلح و امنیت بالاتری در کشور رواج پیدا می‌کند.

ب. اما مرحله‌ی دوم صلح در اسلام صلح اجتماعی در جامعه و سرزمین اسلامی است. با آماده شدن فرد در مسیر صلح درونی زمینه‌ی پیوند اجتماعی و وحدت با دیگران برای او فراهم می‌گردد. فرمان الهی به مسلمین ایجاد اخوت و صلح بین مومنین است. چنانچه در آیه‌ی ۱ سوره‌ی انفال می‌فرماید:

"در میان خود صلح و صفا به راه اندازید."

بدین تریب مسلمانان از بند خودخواهی تبعیض ظلم و صفات ناپسند رهایی یافته و تبدیل به یک فرد مصلح می‌گردند.

و اینکه در جامعه‌ی خویش باید برادری و اخوت دینی را پیشه کند و با ایجاد فضای صلح و مودت در رفع فتنه‌ها و اختلافات کوشش نماید.



ج. سومین مرحله صلح در رابطه با صلح با غیر مسلمانان است. یکی از اصول حاکم بر جامعه ی اسلامی همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان است. اسلام درست برخلاف آنچه برخی متفکران غیر مسلمان و برخی تبلیغات دروغین مدعی شده اند دین صلح و مسالمت جویی می باشد.

آن گونه که از روایات فهمیده می شود حکومت حضرت مهدی (عج) از یک سری شاخصه های اساسی برخوردار است که در پرتو آنها صلح و امنیت در حکومت ایشان برقرار خواهد شد. در ذیل به بررسی این شاخصه ها می پردازیم.

الف: وارستگی های رهبری

یکی از مهمترین و موثرترین عناصر و مولفه های یک حکومت رهبر و رئیس حکومت است. تا جایی که حضرت امیر علیع السلام وجود امیر فاجر را بهتر از نبود امیر و رهبر در جامعه می داند (شریعت رضی، مدرس، عبد الکریم، ج ۱، ص ۸۳)^۱. بدون شک رهبر یک جریان نقش محوری و اساسی در موفقیت و یا شکست آن جریان خواهد داشت البته بدان معنا نیست که وجود یک رهبر مطلوب در یک جامعه علت تامه برای موفقیت آن جامعه باشد.

حال سوال این است که چه ویژگی ها و خصایصی در وجود مقدس حضرت مهدی (عج) وجود دارد که ایشان به بهترین شکل نقش خود را در راستای تامین صلح و امنیت جهانی ایفا می نمایند

در ذیل به برخی از این ویژگی ها اشاره می نمایم.

۱. قال علی علیه السلام: انه لابد للناس من امیر براو فاجر یعمل فی امرته المومن و یستمع فیها الکافر (شریعت

امنیت ناشی از رضایت و نا امنی ناشی از نارضایتی آحاد جامعه است و نارضایتی نیز می تواند برخاسته از عوامل مختلفی باشد برخی از این عوامل به خود شخص برمی گردد و برخی دیگر به حکومت و حاکمان سیاسی. آنچه باعث نارضایتی مردم از حاکمان سیاسی می شود گاهی اعمال غیر عادلانه آگاهانه آنان است. یعنی در راستای تامین منافع شخصی خانوادگی جزئی از سیر عدالت خارج شده و مرتکب اعمالی می شوند و این هم قابل توجه است چرا که تجربه نیز ثابت شده است که هرگاه قدرت و ثروت در جایی جمع شوند نوعا فساد آورند و به همین جهت حقوق دانان بحث تفکیک قوا (به مجریه مقننه قضائیه) را برای محدود کردن قدرت به وسیله ی قدرت برای جلوگیری از فساد آن را مطرح نموده اند. البته هستند اندک افرادی که خود ساخته که مسلط بر هوای نفسانی بوده اند و در این وادی سالم می مانند اما به هر حال خطر زیاد است چرا که هر آن غفلت (به جهت برخورداری آنان از قدرت و ثروت) می تواند آن را به وادی انحراف بکشاند. زمانی که در جامعه ای سنت و فرهنگ به آن سو رود که افراد نا آگاه بتوانند بر سرکار باشند و ضمام حکومت را در دست خود گیرند فساد و تباهی سایه می گستراند و مردم نیز در مقابل آن سکوت می کنند چرا که به فرهنگ غلط آن عادت کرده اند.

ج: توانایی

مرحوم صدوق در کتاب کمال الدین از ریان بن صفت نقل می کند که ایشان می گوید: حضرت رضا علیه السلام عرض کردم آیا صاحب امر شما هستید؟ ایشان فرمودند: من صاحب امر هستم ولی از آن صاحب امری که زمین را پر از عدل و داد می کند چنان که از ظلم پر شده باشد. چگونه می توانم چنین کسی باشم با این ضعف بدن که در من می بینی؟ قائم کسی است که وقتی ظهور می کند به سن پیرمردان و به صورت جوانان است و بدنی نیرومند دارد و او چهارمین از فرزندان من است. خدا زمانی که مصلحت بداند او را از نظرها غایب می گرداند. آن گاه او را



آشکار می کند و به وسیله ی او زمین پر از عدل و داد می شود چنان که پر از ظلم شده باشد.

د: صبر و شکیبایی

از آنجا که مشکلات و سختی های متعدد و طاقت فرسای عصر پیش از ظهور همچون ناامنی فقر و مفاسد اخلاقی موجب اضطراب و بی اعتمادی مردم به حاکمان می شود هدایت و رهبری چنین جامعه ای و رفع مشکلات آن بدون صبر و سعه ی صدر بسیار بالا میسر نخواهد بود. به عبارت دیگر چنین جامعه ی مضطرب و متلاطمی نیازمند یک رهبر و پیشوای صبور و شکیبایی است که با آرامش و اطمینان قلب خود جامعه را از ترس و اضطراب دور کرده و به ساحل امن آرامش برساند.

ه: عدالت

برای رسیدن به صلح و امنیت در جهان سه موضوع انسان جامعه و جهان با هم در تقابل هستند. اگر انسان برای رسیدن به تکامل تلاش کند دیری نمی پاید که رهبر کامل ظهور خواهد کرد و جهانی کامل را برپا خواهد نمود. صلح و امنیت از عدالت منتج می شود و هنگامی که می گوئیم جامعه ی ایده آل جامعه ای است که برپایه ی صلح بنا شده است، منظور این است که هر چیز درست و در جای خودش قرار گیرد. در این صورت طبیعتاً صلح از راه می رسد. صلح می تواند از ارتباط مقدس این سه موضوع با هم حاصل شود. انسان فنا ناپذیر و کاملی که با خود در صلح و آشتی است، صلح و آشتی را در جامعه می آورد و در نتیجه جامعه ی کامل، ظهور رهبر کامل را به ارمغان خواهد آورد که پایه گذار صلح جهانی خواهد بود.

عدالت اجتماعی در حکومت مهدوی، در عدالت اقتصادی، رفع فقر و تبعیض اقتصادی خلاصه نمی شود، بلکه عدالت اجتماعی شامل چهار بعد و عرصه خواهد شد و اتفاقاً اقامه ی قسط اقتصادی در آن حکومت، بعد قبلی عدالت اجتماعی است.

در حکومت مهدوی از تمام طبقات اجتماع در چهار بعد سیاسی، فرهنگی، قضایی، فقرزدایی خواهد شد که این فقر زدایی راه تحقق عدالت اجتماعی است. یکی دیگر از ابعاد عدالت، عدالت قضایی است. این بعد از عدالت تاثیر مستقیم بر صلح و امنیت دارد. بدین شکل که وظیفه اصلی دستگاه قضا، حمایت و دفاع از مظلومان و همچنین مبارزه با نا امنی و ظلم و تجاوز افراد شرور و متجاوز است. حال اگر این دستگاه به طور صحیح و عادلانه به وظیفه خود عمل کند از طرفی موجبات نا رضایتی عموم مردم را نیز فراهم می آورد و در نتیجه نا امنی مضاعف به بار خواهد آمد.

۴. رشد فکری و فرهنگی عمومی (همگانی و همدلی مردم با حاکم)

رابطه ی کمال عقل با صلح و امنیت روشن است و هیچ کس نمی تواند منکر نقش اساسی عقل در تحقق صلح و امنیت شود، چرا که علت ایجاد بسیار زیادی از نزاع ها و اختلافات، جهل و نا آگاهی و یا عملکرد جاهلانه و غیر عاقلانه ی حداقل یکی از طرفین نزاع است. عقل به حدی مهم است که در روایات می گویند انسان کامل عاقل ولو اینکه دشمن باشد، بهتر است از انسان جاهلی که دوست باشد (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، ج ۳، ص ۸۶)¹.

۵. استدلال بر جهانی بودن حکومت حضرت مهدی

جهانی شدن دولت امام علیه السلام، برنامه ی کلی الهی است و بر اساس آیه ی شریفه (و ما خلقت الجن و الانس الا لعبدون): جن و انس را نیافریدیم جز آنکه مرا بپرستند و آیات دیگر قرآن کریم، می توان استدلال نمود که هدف کلی از آفرینش در معنای کامل، فراگیر و دقیق آن است که آن هم به نوبه ی خود به معنای تحقق عدالت مطلق در وجود فرد و جامعه است.

۱. عدو العاقل خیر من صدیق الجاهل (طبرسی ۱۳۸۴، ص ۸۶) کن بعدو ک قل اوثق منک بصدیقک الجاهل (یقیمی آمدی ۱۴۱۰، ص ۵۳) استر عدو ک العاقل و احزر رای صدیقک الجاهل (همو ۱۴۱۰، ص ۱۴۹)



۶. یاران توانمند در امدادهای غیبت

تحقق صلح و امنیت فراگیر و پایدار، متوقف بر یک سری شرایط اساسی است که این شرایط اگر محقق شود، این نتیجه مطلوب را به دنبال خواهد داشت و در غیر این صورت، به صورت به تناسب صفت یا نبود آن شرایط نتیجه ی آن نیز که صلح و امنیت است کم رنگ و یا متزلزل خواهد بود. به تعبیری می توان این شرایط و شاخصه ها را به مهره های یک پازل تشبیه نمود که تصویر زیبای صلح و امنیت وقتی در جامعه متصور خواهد بود که هر یک از این شاخصه ها آن گونه که باید پرداخته شده و تحقق یافته می باشند. اما هرچه این شاخصه ها کم رنگ تر باشند، آن هدف که عبارت است از انعکاس تصویر زیبای صلح و امنیت مبهم تر و متزلزل تر خواهد بود. با وجود این شاخصه ها بدون تردید صلح و امنیت تحقق خواهد یافت و این منحصر به عصر و دوران خاصی نیست. اما از آنجا که تمام این شرایط به کامل تنها در عصر ظهور اتفاق خواهد افتاد، صلح و امنیت به معنای واقعی نیز دستاورد همان دوره است، اما این بدان معنا نیست که ما به طور کامل در عصر پیش از ظهور از صلح و امنیت محروم هستیم. بلکه هرچه ما در جهت تحقق این شاخصه ها بیشتر تلاش کنیم و در رسیدن به آنها موفق تر باشیم به همان اندازه نیز از امنیت و صلح برخورداریم. هرچه از این شاخصه ها دور تر شویم، صلح و امنیت نیز کم رنگ تر خواهد بود. به عبارت دیگر صلح یک مقوله ی تشکیکی است که مصداق اکمل و اتم آن در عصر ظهور تحقق خواهد یافت. چون تنها در این عصر تمام این شاخصه ها به طور کامل و جامع تحقق خواهند یافت. اما در عصر غیبت به میزان تلاش و موقعیت در تحقق این شاخصه ها به صلح و امنیت دست خواهیم یافت.

چنانکه در قرآن آیه ای نمیتوان یافت که با جنگ مردم را اجبار به پذیرش اسلام نموده باشد. جنگ از دیدگاه اسلام هدف و ماهیتی دفاعی داشته و در جهت دفاع یا پیشگیری از تهاجم و گسترش تخریب و خون ریزی بیشتر تجویز شده است.

صلح و همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان متکی بر آیات روایات و سیره ی معصومین می باشد و بر پایه ی اصل کرامت انسانی بنا نهاده شده است. غیر مسلمانان از آن جهت که در انسانیت با مسلمانان شریک هستند دارای احترام و کرامت ذاتی هستند اگرچه در دین و مذهب متفاوت می باشند. در واقع اسلام اصالت را به صلح می دهد و موید آن سیره ی پیامبر در صدر اسلام می باشد. مباحثات پیامبر به پیمان جوانمردان منعقد شده در قبل از اسلام صلح حدیبیه شیوه ی پیامبر در مواجهه با سران حکومت ها و پادشاهان ایران و روم و سایر سرزمین ها و بهره گیری از مکاتبات نمونه ها در شیوه ی مقابل صلح جویانه اسلام به شمار می آید. چنانکه پیامبر در دستور العمل به عمرو بن حزم در هنگام فرستادن به یمن نوشت:

هر یهودی یا نصرانی که مسلمان شود و اسلام پاک و خالص را اظهار نماید از جمله گروه مومنان است هر آنچه مسلمانان دارند شامل او نیز می شود و در نفع و ضرر با آنها شریک است و هر که در یهودیت و نصرانیت خود باقی بماند هرگز مجبور به ترک دین خود نمی شود. زیرا پیام این دین و رسالت همه ی انبیاء الهی در جایگاه واقعی خود تحقق صلح عدالت و بسط معنویت تکامل بشر و رسیدن به سعادت می باشد.

بنابراین در نظر اسلام صلح و همزیستی مسالمت آمیز انسان ها با عقاید گوناگون یک ارزش و هدف است و هدف از صلح مصلحت گرایی نیست بلکه خود صلح مصلحت است و با فطرت انسانی سازگار می باشد. در شرایط صلح و رشد تعالی همه ی انسان ها و گرایش به حق و رستگاری ممکن می گردد. از این رو برقراری صلح و دعوت به صلح جهانی و مصالمت آمیز بر اساس توحید و عدالت و پارسایی که هدف نهایی دین اسلام و پیروان این دین است و به نظر می رسد تاسی به این آموزه ها می تواند راهگشای خروج جهان امروز از جنگ و درگیری های فراوان کنونی آن باشد.

اساس صلح و آرامش تنها در پرتو ایمان امکان پذیر است و به اتکای قوانین



غیر دینی جنگ و ناامنی اضطراب برچیده نخواهد شد. امری که همواره عامل ایجاد کشمکش ها و تصادم ها بوده است و اگر نیروی معنوی ایمان آدمی را کنترل نکند صلح غیر ممکن خواهد بود. امری که همواره عامل ایجاد کشمکش ها و تصادم ها بوده است و اگر نیروی معنوی ایمان آدمی را کنترل نکند صلح غیر ممکن خواهد بود و به تعبیر کافه ناظر بر این است که استثنایی در قانون صلح نیست و جنگ بر خلاف تعالیم اسلام و قرآن بوده است و جز به شکل تحمیلی تصور نمی شود. صلح گرایی در اسلام از منابع فلسفی خاصی برخوردار است. اسلام با تکیه بر بنیاد فکری توحیدی و اعتقاد به خداوند یکتا مهم ترین قدم در تنظیم روابط انسان ها برداشته است. در جهان بینی اسلامی توحید اساس نگرش انسان به جهان است بر خلاف مادی گرایان که جریان اداره ی جهان را بدون غایت می دانند از نظر اسلام جهان هستی به حق بیهوده آفریده نشده است و تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهنده ی آن برای هدف و غرض مشخص خلق شده اند و خلقت آسمان و زمین طبیعت و اجزای آن همه بخاطر انسان و خدمت به او بوده است.

هدفمندی خلقت و وحدت در غایت حرکت کاروان انسانیت به سوی کمال مطلق از اساسی ترین نهادهای هماهنگی در قوانین لاجرم در فرهنگ سازی رفتارهای فردی و اجتماعی انسانها می باشد. همین اصل اساسی که موجب می گردد بسیاری از تعارض ها در بینش و گرایش و کنش های یک انسان از بین برود و قبل از اینکه انسان تصمیم به جنگ بگیرد منطق جنگ از او گرفته شود.

خواست همه این است که صلح عمومی بین موجودات دایر گردد و این قاعده ی لاتغیر در تمام موجودات حکم فرماست و شاید همین باشد سر اینکه بایستی امام دوازدهم آخرالزمان پس از غیبت طولانی ظاهر گردد. هدفمندی عالم هستی مویذ اصل وحدت واقعی جهان یعنی وحدت الزام آور است و همین امر عامل اصلی در ایجاد هماهنگی و لاجرم آرامش و آسایش انسان خواهد بود.

اسلام می خواهد در پرتو قوانین با آرامش و صلح به سوی کمال مطلق هستی یعنی خداند که غایب است حرکت کند. بنابراین صلح و آرامش در تفکر اسلامی بهترین روش برای رسیدن به هدف خلقت جهان و انسان است. از منظر اسلام بشر تکوینا خواستار صلح و دوستی است و جنگ تنها در صورتی ممدوح است که به عنوان اصل ثانوی و در مواقعی که صلح و مبانی آن مورد تعرض قرار گرفته و برای رسیدن به صلح ناگزیر از حذف عوامل مخرب باشیم.

۷. بخش سوم: کنفوسیوس

می توان کنفوسیوس را اولین حقوق دان و فیلسوف بزرگی دانست که در میان کشورهای شرقی فرضیه و نظریات نسبتاً محکم و روشنی در مورد حکومت و قانون و سیاست ارائه ی پیشنهاد نموده است و این نظریات و تئوری ها چه در همان سرزمین و چه در سرزمین های دیگر آسیایی تاثیرات شگرف و عمیق در شئون اجتماعی و در افکار عمومی آن عصر و اعصار دیگر بر جا نهاده است که دنباله ی آن هم هنوز در بیشتر موارد باقی است. آیین کنفوسیانیسم، توسط کنفوسیوس حکیم و سیاست مدار چینی بنیان گذاری شده که با وجود مقبولیت عامه، پس از چندی از رونق افتاد و جای خود را به آیین بودا داد. البته امروزه شاهد این هستیم که جامعه ی چین برای بهبود روابط دیپلماتیک و سیاسی و قدرت نرم خود مجدد بر همین مفاهیم تکیه زده و رشد بسیار شگرفی در صحنه ی روابط بین الملل برای خود پدید آورده است که تعالیم کنفوسیوس را می توان گفت ترکیبی بود از اخلاق و سیاست مدرن و مقداری مسائل دینی (جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس، گری، لیوجیا، ۱۳۸۳، ص ۳۴).

وی مردی میهن دوست و وطن پرست و آزاده ای صلح دوست و صلح جو بوده است و در تالیفات خود در مورد مباحث مختلف حقوقی و اجتماعی از جمله حکومت و سیاست بررسی و تفحص نموده و به اصل مساوات و برابری بشر معتقد بوده است.



به عقیده ی کنفوسیوس مردم منبع واقعی و شایسته ی قدرت حاکمه ی سیاسی هستند، زیرا هر حکومتی که اعتقاد مردم را از کف بدهد، دیر یا زود ساقط می شود. وی اساس سرلوحه ی حکومت را مبتنی بر سه اصل دانسته است:

الف. صمیمت و اعتقاد مردم به زمامداران و دستگاه حکومت

ب. فراهم کردن حداقل معیشت برای همگانی

ج. تجهیزات نظامی

و همچنین معتقد بوده است که این سه عامل حکومت زمامداران را استوار و محکوم می سازد و فقدان هر یک از این سه اصل در دوام و بقای حکومت تزلزل ایجاد می نماید و وی عقیده داشت روزی خواهد رسید که جهان سراسر نیکی و آرامش خواهد شد و رویای صلح جهانی و وحدت عالم به حقیقت خواهد پیوست و در آن هنگام که تمام صحنه ی گیتی مبدل به یک حکومت ایده آل خواهد شد. وی معتقد است که هرگاه حسن خیرخواهی و درستی و نیکی را در یک فرد ایجاد کنیم، خانواده ها و اجتماعات نیکو و ایده آل را پی ریزی نموده و آنگاه است که می توانیم یک حکومت بدون نقص جهانی داشته باشیم. وی با اینکه در ۲۵۰۰ سال پیش می زیسته نظریات و اعتقادی داشته که امروز مورد توجه میلیاردها انسان است و هم از گفته های اوست که مورد خویش را اظهار داشته است (جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس، گری، لیوجیا، ۱۳۸۳: ص ۳۴).

۷. چین آغاز توجه به شایسته سالاری

آموزه های کنفوسیوس پیچیده است و در طول سده ها تغییرات بسیار یافته است، ولی یک اصل بنیادین آن پابرجا مانده است و آن اینکه هرگونه مقام اجتماعی و شهرت ناشی از آن باید بر پایه ی شایستگی به دست آید. بنا به اعتقاد کنفوسیوس، بهترین بودن در جامعه فقط ناشی از بهترین بودن در توانایی انجام کار، کاردانی و اخلاق است. تبار و وابستگی خانوادگی نمی تواند انسان را برای رهبری

جامعه مناسب سازد (مجله ی سیاسی اقتصادی، شماره ی ۲۰۹-۲۱۰، ص ۱۰۵) شایستگی از آموزش و تعالیم به دست می آید. در سده های بعد که کنفوسیوسیزم، فلسفه ی سیاسی و مذهبی حکومت چین شد، متون کنفوسیوسی نخستین ابزار شناخت این شایستگی ها محسوب گردید (جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس، گری، لیوجیا، ۱۳۸۳، ص ۳۴).

به گفته ی هیوم، کنفوسیوس اساسا بر این عقیده بود که " برای هر گونه اصلاح در طبیعت بشری نیاز به یک حکومت خوب است." دلیل این امر آن است که خوی و منش حاکم هر گونه که باشد، ابتدا بر مردان و رجال حکومت تاثیر می گذارد. از این طریق آن ها به رگ و خون مردمان می رسند و خون جاری می گردد. در حقیقت، اخلاق مردمان، ظهور و تجسم حاکم است و تقوا و مقیاس پادشاهان یا برعکس، زشتی ها و رذایل آنان مانند باد و طبیعت افراد مردم مانند گیاه چمن است، البته گیاه هم در برابر وزش باد خم می شود و سر تعظیم فرود می آورد. نظر به اهمیت مسئله و نقش عظیم شاهان و دولت مردان در تکوین سرشت و سرنوشت مردمان است که کنفوسیوس مهمترین و معروف ترین نظریه ی تربیتی حکومتی خود را ارائه می دهد. آنچه که بعدها به دور کنفوسیوسی معروف شده است و شهرت و اهمیت بسیاری در میان اندیشمندان یافته است. (متن پژوهی ادبی، محبتی، مهدی، شماره ی ۷۵، ص ۲۲).

به نظر کنفوسیوس این وظیفه ی حکومت است که با تعلیم و تربیت صحیح و همگانی، افراد را در جامعه در جای مناسب قرار دهد (Confucian Awalects, James Legge, 1975: p12) و در فصول مناسب استخدام کند و در نتیجه از وقوع جرم و جنایت و آشفته گی در جامعه جلوگیری نماید. تربیت و رشد چنین افرادی حاصل رفتار های چند روزه نیست بلکه نتیجه ی فرهنگ سازی توسعه یافته ی چنین افرادی در طول سالین است. فرهنگ یک جامعه می تواند تربیت صحیح را نسل به نسل انتقال دهد و وارث بزرگ فضایل باشد. چنانکه تمدن ها و حکومت



های بشری در سطح بین الملل دغدغه ای جز تربیت و رشد چنین تعالیمی نداشته باشد می تواند فرهنگ غنی خود را انتشار دهد. اما اگر حکومت از این وظیفه ی خود قصور بورزد، حق مجازات مردم را ندارد. زیرا فساد ذاتی انسان ها نیست (Shu King, Janes Legge, 1996: p234). بلکه فقدان از آموزش صحیح همگانی و عدم اصلاح عناوین از ناحیه ی حاکم غیر حکیم منشاء می گیرد. از دوره ی هان به بعد که کنفوسیائزم دین دولتی شد، امتحانات استخدامی باعث نهادینه شدن نظم سلسله مراتب اجتماعی در جامعه گردید.

در این باره نیز دکتر علیرضا خوش رو، دکتري روابط بین الملل در يك مقاله تاثیر افكار و اندیشه های كنفوسیوس را در جایگاه پیشرفت موقعیت چین و قدرت نرم آن در پدیده ی جهانی شدن این طور ابراز می دارد که: "قدرت نرم در روابط بین الملل معاصر به ویژه با انقلاب ارتباطات جمعی در حال رشد است که نوآوری عمده ای را ایجاد کرده است: که از جمله ی آن می توان به اینترنت و شبکه های جهانی اشاره کرد.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده ی امریکا و عواقب بین المللی آن، اکثر دکتري و محققين ایالت ها توجه بیشتری به دیپلماسی عمومی برای نقش های اصلی آن در ارتقاء تفاهم متقابل و تحقق صلحدر نظر دانسته اند. قدرت های بزرگ جهان بر تغیر تصویر فعلی و نام تجاری دوباره ی تصویر مورد علاقه شان تمرکز می کنند. اساسا ادبیات قدرت نرم بر اهمیت گفتگو به عنوان عنصر حیاتی يك دیپلماسی مناسب تاکید دارد. بنابراین مفاهیم جدیدی در عرصه ی بین المللی مانند دیپلماسی عمومی، شهرت، نام تجاری و تصویر کشور ظاهر شده است.

از طرف دیگر چین باید نقش قدرت نرم را برای استراتژی جهانی شدن خود لحاظ بدارد. به عبارت دیگر قدرت نرم، بازتاب تاثیر ملی و فرهنگی در عرصه ی روابط بین الملل است. من معتقدم که عنصر مهم قدرت نرم، فرهنگی است که

همیشه منبع اساسی برای درک متقابل دیپلماسی در جهت ایجاد صلح و زندگی مسالمت آمیز در جهانی هماهنگ است. من همچنین دیدگاه چین را در مورد قدرت نرم که مبتنی بر فرهنگ و تفکر کنفوسیوسی است را شرح خواهم داد. از این منظر، فرهنگ به عنوان ابزار جدید چین در زمینه ی تفکر کنفوسیوسی است که بر سیاست خارجی چین تاثیر می گذارد، در نظر گرفته می شود. در این رابطه من دو مرحله را مورد بحث و بررسی قرار داده ام. در وهله ی نخست اصول دین گرایی را به عنوان زمینه ای بلاغی نشان می دهم که بر قدرت نرم چین تاثیر گذاشته است. و در وهله ی دوم در مورد موسسات کنفوسیوس به عنوان نتیجه ی سیاست خارجی چین بحث و گفتگو خواهم کرد (The confucian thought and china soft power, (Alireza Khoshru, 2017, p:350).

این چنین است که در مبحث جهانی شدن قدرت بزرگی همچو چین، شاهد تاثیرپذیری آن از عامل فرهنگی تحت لوای افکار و اندیشه حقوقدان بزرگ کنفوسیوس به تبیین محققین و اندیشمندان هست. مباحث مربوط به صلح و امنیت گرچه به ظاهر مفاهیمی ساده و ابتدایی به نظر می رسند، لیک امروزه مشاهده می کنیم که بسیاری از روابط دیپلماتیک بر پایه ی آنها استوار می گردند.

۹. جهانی شدن و موقیت حکمت کنفوسیوس

عده ای عقیده دارند که افکار کنفوسیوس دیگر ارزش وجودی خود را از دست داده اند ولی ما معتقدیم که پیروان کنفوسیوس درباره ی زندگی بشرو روابط انسان ها تحلیل عالی و عمیقی دارند، به عقیده ی ما، حکمت کنفوسیوس در شرایط جهانی شدن امروز تاثیرات زیادی دارد که پاره ای از آن ها بدین قرار است (جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس، گری، لیوجیا، ۱۳۸۳):

حکمت کنفوسیوس در ایجاد معیارهای اخلاقی جهانی باید مورد استفاده قرار گیرد.

بشر برای حل مشکلات مشترک موجود در روند جهانی شدن باید معیارهای



اخلاقی مورد پسند همه ی فرهنگ ها و جوامع را تضمین کند. در همین راستا، جامعه ی بشری در قرن بیستم "اعلامیه ی جهانی حقوق بشر" و "اعلامیه ی جهانی وظایف بشر" را منتشر کرده است. به عقیده ی ما اندیشه ی کنفوسیوس شامل چند اندیشه ی مهم در جهت ایجاد معیار اخلاقی جهان است که عبارتند از "اندیشه ی نیک خواهی" و "آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران روا مدار" و "نیک خواهی انسان دوستی است". نیک خواهی شامل افکار برابری همه ی انسان ها از هر جنس، زبان، موقعیت های اجتماعی و اعتقادات سیاسی و مذهبی است. این اندیشه ها با اصول انسانی با اعلامیه ی جهانی حقوق بشر مطابقت دارد. نیک خواهی کنفوسیوس به معنی احترام به همه ی جانداران را در بر می گیرد (جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس، گری، لیوجیا، ۱۳۸۳).

یکی از محققان به نام ولادیمیر مالیویان در مقاله ی خود تحت عنوان از هماهنگی تا هم افزایی در مورد آیین جهانی کنفوسیوسیم فرض را بر آن داشته است که: "برای برآورده ساختن خواسته های جامعه ی جهانی در حال ظهور، این دو مفهوم مهم اشتراک و شباهت ارزیابی می شود. ادغام این مفاهیم پایه و اساس جامعه ی سنتی چین بوده و می تواند به عنوان تامین کننده ی نظم نوین جهانی بر اصل هم افزایی باشد.

الف. همه چیز با هم پرورش می یابد و باعث آسیب به یکدیگر نمی شوند: راه های مختلف با هم همسفر می شوند و منافات ندارد. تعالی کمتر آنها باید به عنوان جریان های جنجالی دیده شود و تعالی بیشتر آنها باید به عنوان تحولات عظیم در نظر گرفته شود. به همین دلیل، آسمان ها و زمین بسیار بزرگ هستند (Focusing the Familiar: A Translation and Philosophical. Arms Roger, 2001:111). این جهان

نه از موجودات و ماهیت ها بلکه از تحول است. هسته ی مرکزی آن از هر نوع ذاتی نیست، بلکه رابطه به عنوان نوعی مکاتبه است. این فوق العاده ست، زیرا ماده ی

مغذی آن دگرگونی است که در تمام صحنه ها و مقیاس های موجود وجود دارد و به اصطلاح "اثر پروانه" را ممکن می سازد."

ب. "مسئله ی دوم مربوط به حاشیه ی هماهنگی است: این تنوع بسیار بی انتهاست، وضعیت قرار گرفتن در میان هر چیزی که به وسیله ی خودش شکل گرفته است. بنابراین، هماهنگی اساسا چیزی است که بی نهایت بر خود غلبه می کند. این بدان معنی است که تجربه ی هماهنگی شامل دانش محدودیت هاست حتی اگر به عنوان حد بی نهایت برجسته باشد.^۱ ما باید ابعاد متافیزیکی چنین حدی را که حضور بی نهایت را تداعی می کند یا اگر از عبارتی که البته در متن سنتی (ژوانگ زی) وجود ندارد، استفاده کنیم و بی نهایت فراتر از فراتر را نشان دهیم. چنین تلاشی اتخاذ نوعی خاص از زبان را می طلبد که اگرچه در نوع خود کاملاً سازگار است، اما به سختی می تواند به مجموعه ای اصطلاحات فنی تقلیل یابد، قطعاً باید خلاقیت گفتار انسانی را که قادر به تحول بی پایان و به طور واقعی است، حفظ و یا بهتر بیان کنیم. تعامل معنایی که به کلمات اختصاص داده شده است. در نتیجه، این رویکرد خواستار تغییر روش درک جهان است. این به افزایش و غنی سازی حساسیت ما نیاز دارد. در حقیقت، تحول به عنوان نوعی "تعالی ایمان" نقش اساسی در این تلاش دارد (From Harmony To Synergy: On Confucianisms Global (Future, Viladimir Mliavin, 2017:p389).

۱۰. رابطه ی عدالت و منفعت

کنفوسیوس می گوید باید بجای منفعت به عدالت توجه گردد. باید پس از توجه به عدالت به منفعت توجه گردد. سونگ زی با قرار گرفتن مفهوم عدالت در کنار منفعت مخالفت کرده است و طرفدار توجه به عدالت قبل از منفعت است. شون زی می گوید: "کسی که پس از توجه به عدالت، منفعت به دست آورد مفتخر

۱. (این موضوع در کتاب تائوئیست "ژوانگ زی" ذکر شده است.



است، کسی که قبل از توجه به عدالت، منفعت خواهی کند، ننگ است. عدالت معیار اخلاق باطنی داخلی و خارجی است (جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس، گری، لیوجیا، ۱۳۸۳: ۱۲)."

منظور از عدالت و منفعت، رابطه‌ی منافع عمومی جامعه، بالاتر از منافع شخصی است و برای منافع عمومی جامعه باید منافع شخصی را فدا ساخت. این اندیشه به خوبی رابطه‌ی وظیفه و حقوق را نشان می‌دهد که وظایف بالاتر از حقوق است. این اندیشه یکی از ویژگی‌های مهم افکار کنفوسیوس و کلا فرهنگ شرقی است. چین به عنوان یک کشور در حال رشد، در روند جهانی شدن از حکمت کنفوسیوس، روابط جهانی شدن و محلی شدن را به خوبی درک کند و ضمن شرکت در روند جهانی شدن با گسترش روحیه‌ی کنفوسیوس مبتنی بر حفظ شرافت و عدالت ملی از منافع کشور و استقلال آن دفاع کند (جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس، گری، لیوجیا، ۱۳۸۳: ۱۲)

حاکم نجیب و بزرگ در همه‌ی کارهایش مفهوم عدالت را رعایت می‌کند. روح حکمت بر افراد ملت او اعم از بزرگ و کوچک، اشراف و عامه‌ی مردم مسلط است. فضیلت‌هایی که در ارتباط با مردم می‌توان گرفت ده تاست.

الف: توجه به فرزندان

ب: محترم شمردن پدر به وسیله‌ی پسر

ج: اطاعت و احترام برادر کهنتر از برادر مهتر

د: خوش رفتاری زن با شوهر

ه: خوش رفتاری حاکم با رعیت خود و بالاخره علاقه و صمیمت وزرا و ماموران در انجام وظیفه‌ی خود

حاکم باید با حسن خلق در میان مردم رفتار کند. زیرا او سرمشق دیگران است. باید تعدات نه گانه اش را به جا بیاورد.



پیش مردم عادی با حسن خلق عمل کند.

به افراد شایسته احترام بگذارد

با خویشاوندان و بستگان دوستی پیشه کند

از وزرای ولایت خود تجلیل به عمل آورد

با کارمندان دولت خوش رفتاری کند

مصالح عمومی را مصالح شخصی خود بداند

پیشه ها و صنایع را تشویق کند.

به اتباع دولت های دیگر که در خاک او ساکن هستند توجه کند.

آسایش فرماندهان امپراطوری را فراهم سازد(آثار جاویدان پنج کتاب

کنفوسیوس، شحانه سعنان، حسن، ۱۳۵۹).

۱۱. ودیعه‌ی الهی

کنفوسیوس می گوید حکومت ودیعه‌ی الهی است که از آسمان به حاکم تفویض می شده است و این تفویض هیچ گاه ابدی نیست، زیرا هر وقت حاکم به قانون اخلاق و نیکی عمل نکرد این حق و ودیعه از او سلب می شود. بقای حاکم به خواست خداوند موکول است و خواست و اراده‌ی خداوند، خواست و اراده‌ی ملت است. اگر حاکمی به ملت خود توجه داشت در آن صورت خداوند آن حاکم را دوست خواهد داشت و پایه‌های حکومت او را استوار خواهد ساخت. لیکن جامعه‌ای که کنفوسیوس مطرح می سازد، یک جامعه‌ی طبقاتی است، زیرا او خواستار چنین جامعه‌ای هست که هر کس در جای خود قرار گیرد. به عقیده‌ی او مردم متنوعند. بعضی ها ثروتمند و بعضی دیگر باهوش، بعضی خوش خویند و بعضی دیگر بدخوی. عدالت کنفوسیوسی اقتضاء می کند که هر کس را فراخور حال خود در جامعه قرار بدهیم(آثار جاویدان پنج کتاب کنفوسیوس، شحانه سعنان، ۱۳۵۹: ۶۸۹).

او می گوید: "خداوند که زندگی به مخلوقات خود ارزانی داشته است، بدون

تردید بسته به خاصیت و صفات آن موجود حق استفاده از زندگی را بر آنان بخشیده است. درختی را که سرزنده است سرفرازی می بخشد و گیاهی را که رو به فساد گذاشته است از نعمت زندگی محروم می سازد."

کنفوسیوس می گوید: "هر نظم و قانون اخلاقی از ضمیر بشر و وجود انسان باید سرچشمه بگیرد، وجدانی که تجربیات نسل های بشری و عموم مردم آن را تایید می کنند. نظام موفق اجتماعی باید براساس مذهب استوار باشد. حکام و افراد موفق وقتی مراسم مذهبی بجا بیاورند و فرمانی بدهند و این استحکام روابط اجتماعی بین آن هاست. و موجب تصمیم دوستی و محبت بین آدمیان می شود و آنان بیشتر به یکدیگر اعتماد می کنند. خداوندان که آفریننده ی این جهان اند عقب ماندگی را نمی پذیرند. ماه و خورشید به صورت منظم حرکت خود را ادامه می دهند. همه چیز در جهان بدون دخالت ما و تحت قوانین منظمی می آیند و می روند. همه ی این پدیده ها نمونه ی قانون الهی است."

نتیجه گیری

آنچه مسلم است؛ این است که بشر همواره در طی قرون و اعصار گذشته تا بحال به دنبال آرامش و امنیت و عدالت و صلح بوده است. تمام تلاش های آن حاکی از این امر است که همواره برای دست یابی این مهم کوشیده است. در حال حاضر سازمان بین الملل یکی از اهداف مهم و اساسی خود را پایه ریزی صلح و عدالت در سایه ی امنیت و آرامش قرار داده و در فکر برقراری نظم نوین در جهان طبق طرز تفکر سران قدرت های برتر جهان بوده است. اما همه روزه شاهد این موضوع هستیم که صلح و آرامشی که حکومت های بزرگ جهان دم از آن می زنند، نتوانسته مردم دنیا را همسو با خود نگه دارد چرا که با آسیب های جدی روبرو بوده است. بنابراین این شکست ها و ناکامی ها نشان از آن دارد که دولت های بزرگ در برقراری صلح و امنیت موفق نبوده و اندیشه های آنان نتوانسته، آرامش

واقعی را برای مردم سراسر جهان به همراه بیاورد. چرا که فرهنگ بین المللی در پیش چشم قدرت های بزرگ جهان نادیده گرفته و به کرامت انسانی ابناء بشر بی توجهی زیادی می شود. حال که بشر با وجود تلاش های فراوان نتوانسته آن چنان که شایسته ی مردم دنیا با هر رنگ و نژاد و زبان و ملیت و قومی به دور از تبعیض های قومی و نژادی و مذهبی، صلح و آرامش واقعی را پیش چشم خود ببیند، بهتر است به دیگر تئوری های جهانی برای برقراری صلح و امنیت جهانی بیاورد. یکی از آن نظریات که سالیان دور توسط آخرین دین الهی جهان مطرح شد، نظریه ی های اسلامی برای برقراری صلح و آرامش و عدالت واقعی در سطح جهانی است. بی شک دین مبین اسلام که توسط پیامبر رحمت، آخرین فرستاده از جانب خداوند مطرح شد و پس از توسط امامان شیعه به خوبی تبیین شد، قابلیت جهانی شدن را بیش از هر تئوری دیگر دارا می باشد. این دین از جانب خداوند که حاکم و فرمانروای واقعی جهان است بر انسان ها ارزانی شده و توسط بهترین نوع بشر، پیامبر و امامان معصوم علیع السلام برای انسان ها تبیین شده است، می تواند بهترین و کامل ترین نوع حکومت داری در سایه ی عدالت و صلح در جهان را پیاده کند. سبک زندگی امامان معصوم شیعه موعده آن است که این نظریات در حد تئوری ها باقی نمانده و قابلیت پیاده سازی برای کلیه ی مردم جهان را داراست. شیوه ی حکومت داری امامان معصوم متناسب با عصر و زمان خودشان برای مردم آن دوران یکی از بهترین تمثیل هایی است که به قابلیت عملی و پیاده سازی جهانی این دین بزرگ ابراهیمی اشاره دارد. علاوه بر این موارد، آینده نگری دین اسلام و علی الخصوص تشیع در برپایی جهای صلح و امنیت، برنامه و آینده نگری این دین را برهمگان آشکار می سازد. این دین نه تنها برای برقراری صلح و امنیت در زمان ظهورش برای همگان قابلیت و توانایی داشته، بلکه برای پس از آن و آینده های دور و دراز نیز بهترین و دقیق ترین الگوها را بیان می دارد که برهمگان آشکار است و فقط شامل دسته ی خاصی از مردم دنیا نخواهد شد. بلکه هر انسانی را با هر رنگ و نژادی در بر می گیرد. از طرف دیگر هم، علاوه بر ظهور اسلام، اندیشمندانی در سراسر



قرون و اعصار می زیسته اند که هدفشان برقراری صلح و آرامش از طریق برپایی، عدالت و شایسته سالاری و.. بوده است. یکی از افراد بنام کنفوسیوس، اندیشمند شهیر و نامور چین است که توانسته نظریات ژرف و عمیقی برای برپایی نظم جهانی بر پایه‌ی عدالت و صلح را مطرح کند. نظریات وی سالهای درازی در چین، پایه تفکر حکومت‌های قوی را تشکیل داده. حقوق دانی که توانسته در سطح جهانی نحوه‌ی برقراری صلح و امنیت و آرامش را طرح ریزی کند. زمانی که هنوز چیزی به عنوان سازمان‌های جهانی وجود نداشت، این فرد دانا توانست در جامعه‌ی چین تا حدودی این اصول را پیاده سازی کند. با وجود گذشت قرن‌های بسیار، نظریات و تئوری‌های وی در چین قابل استفاده و بازخورد است و پیروان زیادی را به خود اختصاص داده است. چین همواره یکی از قدرت‌های بزرگ شرق با جمعیت انبوه و قدرت فراوان بوده است و هم اکنون نیز می‌تواند در سطح بین‌المللی تئوری‌هایی را در این باب پیاده کند. هر چند که فاصله‌ی زیادی میان مفاهیم اسلامی و اندیشه‌های کنفوسیوس در زمینه‌های دیگر وجود دارد. ادیان الهی از جایگاه و موقعیت والاتری نسبت به اندیشه‌های بشری برخوردار می‌باشند، اما کنفوسیوس و اندیشه‌های وی و سلوک رفتار وی نشان می‌دهد که شخص انسانی وقتی خود را به اصول واقعی پیوند زند می‌تواند، نظریات بسیار عمیقی را که قابلیت مطرح سازی پس از گذشت اعصار و قرون را داشته باشد را در سطح گسترده‌ای ابراز دارد.



فهرست منابع

کتاب

۱. جوهری، ابونصر اسماعیل، سال نشر: ۱۴۰۷، **صاحبه اللغة**، جلد ۱، نوبت چاپ: چهارم، محل انتشار: بیروت، ناشر: دارالعالم للملايين
۲. فقه امام جعفر صادق، مغنیه، محمد جواد، ج ۴، ص ۵۸
۳. الحدائق الناصره، بن احمد شيخ يوسف، ج ۲۱، ص ۸۵
۴. جواهر الکلام، نجفی محمد حسن، ج ۲۶، ص ۲۱۱
۵. المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، فیومی، احمد بن محمد بن علی، ج ۲، ص ۲۴
۶. ابن فارسی، احمد، الحماسه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰۳
۷. خویی، سید ابوالقاسم، سال نشر: ۱۴۱۰، **منهاج الصالحين**، جلد ۲، نوبت چاپ: بیست و هشتم، محل انتشار: قم، ناشر: مدینه العلم، آیت الله خویی
۸. زین الدین، محمد امین، سال نشر: ۱۳۸۷، **کلمه التقوی**، جلد ۴، نوبت چاپ: اول الکترونیکی، محل نشر: قم، ناشر: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان
۹. مصطفوی، سید محمد کاظم، سال نشر: ۱۳۹۰، **فقه المعاملات**، جلد ۱، نوبت چاپ: اول، محل انتشار: قم، ناشر: مرکز جهانی علوم اسلامی
۱۰. بنی هاشمی خمینی، سید محمد حسن، سال نشر: ۱۳۹۲، **توضیح المسائل مراجع**، جلد ۲، نوبت چاپ: بیستم، محل نشر: قم، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمی قم
۱۱. حلی، محقق، سال نشر: ۱۳۷۵، **شرایع الاسلام**، جلد ۲، نوبت چاپ: دوم، محل نشر: قم، ناشر: موسسه ی اسماعیلیان
۱۲. مغنیه، محمد جواد، سال نشر: ۱۳۹۵، فقه امام جعفر صادق، جلد ۴، نوبت چاپ: اول، محل نشر: تهران، ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)
۱۳. بن احمد بحرانی، شیخ یوسف، ۱۳۶۹، **الحدائق الناصره**، جلد ۲۱، نوبت چاپ: بیستم، محل نشر: قم، ناشر: موسسه ی آل البيت
۱۴. نجفی، محمد حسن، ۱۳۹۳، **جواهر الکلام**، جلد ۲۶، نوبت چاپ: هفتم، محل نشر: بیروت، داراحیاء التراث العربی
۱۵. فیومی، احمد بن محمد بن علی، سال نشر: ۱۳۸۳، المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، جلد ۲، نوبت چاپ: سوم، محل نشر: قم، ناشر: انتشارات هجرت



۱۶. مدرس، عبدالکریم، سال نشر: ۱۳۹۵، **شریعت اسلام (رضی الله)**، جلد اول، نوبت چاپ: یکم،

محل نشر: تهران، ناشر: محمد انصاری

۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، سال نشر: ۱۳۸۴، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، جلد سوم، نوبت چاپ:

هشتم، محل نشر: تهران، ناشر: انتشارات ناصر خسرو

۱۸. رجواند، پرویز، سال نشر: ۱۳۸۶، **پیشرفت توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی**، نوبت چاپ: اول،

محل نشر: تهران، ناشر: شرکت سهامی

۱۹. سازمند، بهاره، سال نشر: ۱۳۸۳، **فرهنگ و حقوق بشر در پرتو جهانی شدن**، فصلنامه ی

راهبرد، تابستان شماره ی ۳۶

۲۰. صدرا، علیرضا، سال نشر: ۱۳۸۵، **طرح تحقیقات ارزش گذاری در جامعه ی ایرانی**، محل

نشر: تهران، ناشر: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

مقاله

۱. شحاته سعفان، حسن، سال نشر: ۱۳۵۹، **"آثار جاویدان پنج کتاب کنفوسیوس"**، ماهنامه ی

هدهد، سال دوم، شماره ی ۷، ص ۶۸۴.

۲. لیوجیاگری، **"جهانی شدن و حکمت کنفوسیوس"**، ترجمه ی: لی دونگ لین، مجله ی

چشم انداز، آذر ۱۳۸۳، شماره ی ۱۲، ص ۳۴.

منابع انگلیسی

1. Arms, Roger, and David Hall. Focusing the Familiar: A Translation and Philosophical Interpretation of the Zhongyong. Honolulu: university of Hawaii press, 2001, p111-112

2. The 8th Session of the world Confucian conference, From Harmony To Synergy: On Confucianisms Global Future, Viladimir Mliavin, Tamking University, Taiwan, 2017, Page 388

3. Shu King, trans by Janes Legge, in the sarved books of the Easted. By Max Miier, Vol.3 delhi, 1996, king Kong 1975, Avalects, pages 12-17

4. Confucian Awalects, translatithe Chion by James Legge, in nese, vol. L. Hong Kong 1975, Avalects, pages 12-17

5. The 8th session of the world confucian conference, The confucian thought and china soft power: conection between individual values and the harmony in the world, Dr Alireza Khoshrou, 2017, Page 350

